



دیدار اعضای کنگره مرحوم حاج ملاعلی آخوند همدانی - 3 مرداد/ 1377

به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت مرحوم حاج ملاعلی آخوند همدانی، اعضای این کنگره با حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار با تجلیل از شخصیت کم نظیر مرحوم حاج ملاعلی آخوند همدانی فرمودند: ای کاش ما سیره عملی بزرگانی مثل آقای آخوند را ببینیم، تا امروز هم جریان پیدا کند، بزرگانی بروند و در شهرهایی بمانند، بگذاریم اساطین علم در همه بخشهای این کشور باشند، در همه شهرها حوزه های علمیه حقیقی و مجتهد پرور به وجود بیاید و مردم در هر جا به رکن رکینی مثل آقای آخوند ملاعلی متکی باشند.

لازم به ذکر است که مشروح این بیانات که صبح امروز در مراسم افتتاح این کنگره توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای موسوی نماینده ولی فقیه و امام جمعه همدان قرائت شد به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی ممنونیم که آقایان محترم زحمت کشیدید و تشریف آوردید و به این وسیله بنده را هم در فیض و ثواب احترام به مرحوم آخوند ملاعلی (رضوان الله علیه)، به همین اندازه سهیم کردید؛ خیلی ممنون. نفس کار هم بسیار مهم است.

البته من خدمت مرحوم آقای آخوند نرسیده بودم، ولی ایشان را مثل همه می شناختم؛ یعنی کسی در زمان ایشان نبود - در آن سالهایی که بنده در مشهد بودم - که آقای آخوند را نشناسد، ایشان جزو علمای طراز اول کشور بودند. البته من خصوصیات علمی ایشان را از کسانی که ایشان را زیارت کرده بودند - بعضی دوستان و بعضی از شاگردهای ایشان - شنیده ام.

اولا ایشان فقیه و اصولی خیلی خوب و قوی و جزو شاگردهای بسیار خوب مرحوم حاج شیخ بوده اند. ظاهرا ایشان حدود سال 1340 قمری، همزمان با ورود حاج شیخ، به شهر قم رفته و سالهایی هم در درس آقای حاج شیخ بوده اند؛ و به نظرم همان زمان حیات حاج شیخ، ایشان به همدان تشریف آوردند و ساکن شدند. غرض، ایشان ملای قوی و متبحری در فقه و اصول و در رجال بودند.

یکی از چیزهایی که بنده مکرر از افراد متعددی شنیدم، این است که ایشان در رجال هم متبحر بودند؛ و این برای يك فقیه، فضیلت خیلی بزرگی است که در علم رجال، صاحب نظر باشد و مقلد نباشد - خودش اهل نظر و فکر باشد - علاوه بر این، ایشان با تفسیر و اخبار هم خیلی مأنوس و محشور بودند.

به هر حال يك عالم فقیه اصولی، رجالی مفسر و محدث اخلاقی بود. ما این جور کسی در سطح کشور، انصافا خیلی کم داشتیم، آن هم در آن سطح عالی! بنا بر این شأن ایشان شأن والایی است. ایشان اهل سلوک و مسایل اخلاقی هم بودند و شاگردان و مرتبطين با ایشان، از معنویت ایشان هم استفاده می کردند.

آن چیزی که نظر من را در شخصیت مرحوم آقای آخوند جلب کرد - منهای همه ی این فضایل معنوی که ایشان دارند - این است که يك مجتهد عالی مقامی مثل آقای آخوند ملاعلی که در هر حوزه یی می رفت، بلاشک یا در رأس

قرار می گرفت، یا جزو رؤوس بود - حتماً ایشان در درجه ی دوم قرار نمی گرفت - اگر ایشان در ادوار آقای گلپایگانی و آقای داماد - همین شاگردهای معروف حاج شیخ - به قم می آمدند، حداقل این طور نبود که يك آدم در سایه یی قرار بگیرند؛ آن هم با آن شخصیت اثباتی قوی! غیر از عالم ثبوت، از لحاظ اثبات هم آدمی قوی بود.

این آدم به همدان می رود و ساکن می شود. به نظر من این خیلی جلوه کرد و مهم آمد که يك مرجع تقلید، این گونه باشد. آن وقت بنده در مشهد بودم؛ در خود مشهد، مرحوم آقای میلانی جزو مراجع و در حد مراجع بود؛ لیکن مشهد، يك شهر درجه ی اول دنیای اسلام بود - شهر بزرگ و حوزه ی علمیه ی بزرگ - نمی شد از کسی به خاطر



اقامت در مشهد، تمجید کنیم. اما دو نفر، همیشه چشم بنده را به خودشان جلب می کردند؛ یکی آقای آخوند، یکی هم مرحوم آقا شیخ محمد بود. آقا شیخ محمد هم همین جور بود؛ او هم يك ملای درجه ی يك بود که در بروجرد ساکن شده بود. آقای آخوند هم يك ملای درجه ی يك بود که در همدان ساکن شده بود. این به نظر من خیلی مهم است، کار خیلی بزرگی است.

البته مرحوم آقای خوانساری از لحاظ دوره، مقداری مقدم بر آقای آخوند بودند؛ لیکن معلوم نبود از لحاظ علمی و تبحر، نسبت به آخوند، ترجیح داشته باشند. انسان خودش را این جور ندیده بگیرد، هضم نفس بکند و از ریاست و مرجعیت و این چیزها صرف نظر بکند! حتی شنیدم ایشان رساله هم ننوشته بودند؛ در حالی که مردم همدان، مقلد ایشان بودند! آقای جلالی همدانی، گاهی از آقای آخوند صحبت می کردند، می گفتند بین مرحوم آقای بروجردی و مرحوم آخوند، مشکلی پیدا شد؛ مردم همدان به آقای بروجردی - به آن عظمت - پیغام دادند که شما آقای آخوند را به ما معرفی کردید، اگر شما ایشان را نمی شناسید، ما هم شما را نمی شناسیم! ببینید، مردم به ملایی این چنین ارادت دارند، مخلص او هستند و رساله نمی دهد! ایشان منبر می رود، ولی روضه نمی خواند! اینها خیلی مهم است. من می خواهم از این نقطه استفاده کنم که ای کاش ما سیره ی عملی بزرگانی مثل آقای آخوند را ببینیم، تا امروز هم جریان پیدا کند، بزرگانی بروند و در شهرهایی بمانند. بگذاریم اساطین علم در همه ی بخشهای این کشور باشند، در همه ی شهرها حوزه های علمیه ی حقیقی و مجتهد پرور به وجود بیاید، و مردم در هر جا به رکن رکینی مثل آقای آخوند ملاحظه متکی باشند. اگر چه حالا امثال ایشان خیلی هم زیاد نیستند؛ اما به هر حال چنین شخصیتهایی در شهرهای کشور باشند، این خیلی با ارزش است.

خداوند ان شاءالله درجات ایشان را عالی کند. به هر حال تجلیل از ایشان، بلاشک تجلیل از علم و تقوا و معنویت و اخلاص، و کار بسیار بزرگی است؛ کار با ارزشی است. ما هم به نوبه ی خودمان از آقایان که چنین زحمتی را متحمل شدید، تشکر می کنیم. لابد ایشان آثار علمی هم دارند، بعید است شخصیتی مثل ایشان با این همه تبحر، قلمی روی کاغذ نیاورده باشد و چیزی ننوخته باشد. حتما باید گشت و پیدا کرد؛ شاید در حواشی کتابها باشد. به نظرم این خودش می تواند موضوع يك تحقیق باشد که بگردند و آثار علمی ایشان را به دست آورند. بالاخره ملایی مثل ایشان، چنانچه منبر هم بروند، منبرش را باید نوشت، باید استفاده بکنیم. يك چنین آدمی قصه هم که نقل بکند، تاریخچه و خاطره هم که بگوید، انسان از آن استفاده یی می کند. در هر حال اگر از ایشان کار علمی پیدا و نشر بشود، انصافاً بجاست؛ بنده مفید و لازم می دانم که این کار انجام بگیرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته